

آئین دادرسی مدنی

مجموعه حقوق

مؤلف: فاطمه یوسفی

سراسر کتاب‌های کمک‌آموزشی کارشناسی ارشد

یوسفی، فاطمه

آئین دادرسی مدنی / کارشناسی ارشد مجموعه حقوق - فاطمه یوسفی

مشاوران صعود ماهان، ۹۹

۵۲۱ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد حقوق)

ISBN:978-600-458-757-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

فارسی - چاپ سوم

۱- آئین دادرسی مدنی ۲- آزمونها و تمرینها (عالی) ۳- آزمون دوره‌های تحصیلات تکمیلی

۴- دانشگاهها و مدارس عالی - ایران - آزمونها

فاطمه یوسفی

ج - عنوان

LB ۲۳۵۳ / ی ۸۷۲۷ آ ۹ ۱۳۹۳

رده‌بندی دیویی: ۳۷۸/۱۶۶۴

کتابخانه ملی ایران ۳۴۹۱۸۸۱

آئین دادرسی مدنی

نام کتاب:

فاطمه یوسفی

مؤلف:

مشاوران صعود ماهان

ناشر:

اول / ۹۹

نوبت و تاریخ چاپ:

جلد ۱۰۰۰

تیراژ:

۹۹۰/۰۰۰ ریال

قیمت:

ISBN:978-600-458-757-0

شابک:

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری، روبروی قنادی هتل

تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می‌باشد و

هرگونه اقتباس و کپی برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

مقدمه ناشر

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت. کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که برمبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد به صورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید.

و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان

معاونت آموزش

عنوان	صفحه
کلیات	۷
سؤالات چهارگزینه‌ای کلیات	۱۷
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کلیات	۲۰
صلاحیت	۷۱
سؤالات چهارگزینه‌ای صلاحیت	۷۸
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای صلاحیت	۸۸
وکالت در دعاوی	۱۷۹
سؤالات چهارگزینه‌ای وکالت در دعاوی	۱۸۲
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای وکالت در دعاوی	۱۸۷
دادرسی نخستین	۱۹۰
سؤالات چهارگزینه‌ای دادرسی نخستین	۲۱۲
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای دادرسی نخستین	۲۳۷
امور اتفاقی	۲۵۶
سؤالات چهارگزینه‌ای امور اتفاقی	۲۶۰
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای امور اتفاقی	۲۷۱
تأمین دلیل و اظهارنامه	۲۷۹
سؤالات چهارگزینه‌ای تأمین دلیل و اظهارنامه	۲۸۰
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای تأمین دلیل و اظهارنامه	۲۸۱
دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	۲۸۲
سؤالات چهارگزینه‌ای دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	۲۸۴
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت	۲۸۹
سازش و درخواست آن	۲۹۲
سؤالات چهارگزینه‌ای سازش و درخواست آن	۲۹۳
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای سازش و درخواست آن	۲۹۵
رسیدگی به دلایل	۲۹۶
سؤالات چهارگزینه‌ای رسیدگی به دلایل	۳۱۲
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای رسیدگی به دلایل	۳۲۸
رأی	۳۴۱
سؤالات چهارگزینه‌ای رأی	۳۴۴
پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای رأی	۳۵۶

۳۶۶	تجدید نظر خواهی
۳۷۴	سؤالات چهارگزینه‌ای تجدید نظر خواهی
۳۸۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای تجدید نظر خواهی
۳۸۹	طرق فوق العاده شکایت از آراء
۴۰۲	سؤالات چهارگزینه‌ای طرق فوق العاده شکایت از آراء
۴۱۵	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای طرق فوق العاده شکایت از آراء
۴۲۳	داوری
۴۲۹	سؤالات چهارگزینه‌ای داوری
۴۳۳	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای داوری
۴۳۶	هزینه دادرسی و اعسار
۴۳۸	سؤالات چهارگزینه‌ای هزینه دادرسی و اعسار
۴۴۰	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای هزینه دادرسی و اعسار
۴۴۱	مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۴۴۳	سؤالات چهارگزینه‌ای مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۴۴۴	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۴۵۴	اجرای احکام مدنی
۴۶۸	سؤالات چهارگزینه‌ای اجرای احکام مدنی
۴۷۴	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای اجرای احکام مدنی
۴۷۹	قانون اجرای احکام مدنی مصوب اول آبان ماه ۱۳۵۶
۴۹۹	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۸۹
۵۰۲	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۸۹
۵۰۳	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۵۰۵	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۰
۵۰۶	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۵۰۸	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۱
۵۰۹	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۵۱۱	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۲
۵۱۲	سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۵۱۴	پاسخ سؤالات چهارگزینه‌ای کنکور سراسری ۹۳
۵۱۷	منابع

بخش اول

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹

عناوین اصلی

- ❖ جریان دادرسی
- ❖ اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن
- ❖ جلسه دادرسی
- ❖ توقف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست
- ❖ امور اتفاقی
- ❖ تأمین دلیل و اظهارنامه
- ❖ دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
- ❖ سازش و درخواست آن
- ❖ رسیدگی به دلایل

بخش اول

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹

فصل اول - کلیات

تعریف آیین دادرسی مدنی

در قوانین دادرسی سابق بر قانون مصوب ۱۳۷۹ تعریفی ارائه نشده بود (حتی ق.آ.م ۱۳۱۸) ماده ۱ قانون آ.د.م.مصوب ۷۹ تعریفی ارائه داده است.

این تعریف مربوط به علم آ.د.م. نیست و تعریف قانون آ.د.م. است.
تعریف با عنوان قانون سازگاری ندارد.
دادگاه انقلاب فقط به جرائم رسیدگی می‌کند و نباید در تعریف آ.د.م. گنجانیده شود.
آ.د.م. فقط اصول و قواعدی نیست که باید توسط مراجع مذکور در تعریف رعایت شود بلکه بسیاری از قواعد آن باید توسط اصحاب دعوی نیز رعایت شود.

برخی به این تعریف ایراداتی متوجه داشته‌اند

اولاً قانون بطور صریح آ.د.م. را تعریف کرده نه قانون آن را و اغلب حقوق دانان در تعریف مورد نظر خود بر عبارت اصول و قواعد یا مقررات تأکید کرده‌اند.
از تعریف استفاده نمی‌شود که باید صرفاً توسط مراجع مذکور رعایت شود و کاربرد آن را از سوی اصحاب دعوی یا وکلا یا کارشناسان و سایرین نفی نمی‌کند. به عبارت دیگر آن چه اصحاب دعوی یا وکلا یا کارشناسان و سایرین رعایت می‌کنند، نیز در همین مراجع به کار می‌رود.
در مورد دادگاه انقلاب برابر ماده ۵ قانون ت.د.ع.و.ا. (بند ۶) مصوب ۷۳ که صلاحیت رسیدگی به دعاوی اصل ۴۹ ق ماده را دارد. این مرجع نیز به دعاوی و ادعاهای مدنی و مالکیتی هم رسیدگی می‌کند (رأی وحدت رویه اصلاحی شماره ۵۸۱ مورخ ۷۶/۱۲/۲) به علاوه این که در رسیدگی به ضرر و زیان ناشی از جرم نیز باید برابر قواعد دادرسی مدنی رسیدگی شود.

برخی دیگر به این ایرادات پاسخ داده‌اند

- تعریف آ.د.م. به نظر برخی از حقوق دانان عبارت است از:

* مجموعه قواعد و مقرراتی که یک طرف یا طرفین در مقام ادعا و دفاع امور مدنی و مرتبط (حسبی، بازرگانی) و اشخاص ثالث در مقام مراجعه به مراجع ذیصلاح در مقام رسیدگی و صدور رأی از بدو تا ختم قضیه بایستی رعایت نماید، آ.د.م. نامیده می‌شود.
* قواعدی است که اصحاب دعوا اعم از خواهان و خواننده، قضات محاکم و اشخاص وابسته به آن‌ها در امر قضا در جریان داوری از بدو تا خاتمه رسیدگی دادگاه و صدور حکم باید رعایت کنند.



- به نظر برخی علم آیین دادرسی مجموعه تشریفاتی را مشخص می‌کند که از طریق آن‌ها مشکلی حقوقی (به مفهوم اعم) برای رسیدن به راه حلی حقوقی (به مفهوم اعم) به مرجعی قضاوتی تسلیم می‌گردد. همان‌طور که نباید علم حقوق را به معنی قواعد و مقررات موجود در یک کشور تعریف کرد، لذا تعریف علم آ.د.م نیز به معنی مجموعه مقررات (موضوعه) مناسب و صحیح نیست. در تعریف اول اجرای رأی نیز مدنظر قرار گرفته است.

در حال حاضر برخی از قوانین مربوط به سازمان قضایی، روش و آیین دادرسی در مراجع قضایی (یا قضاوتی) و صدور و اجرای احکام عبارتند از:

۱- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ اصلاحی در مهرماه ۱۳۸۱

۲- قانون تشکیل دادگاه خانواده ۱۳۷۶

۳- قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰- در دو نوبت ۱۳۷۲ و ۱۳۷۸ مورد بازنگری قرار گرفته است.

۴- ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳

۵- قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶

۶- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۴

- ۱- رسیدگی منظم و عادلانه به دعاوی که باعث می‌شود اشخاص از توسل به وسایل سلیقه‌ای و غیر قانونی اجتناب نمایند و متوسل به انتقال شخصی شوند.
- ۲- جلوگیری از تشتت در حل و فصل اختلافات و ایجاد سیستم یکپارچه در رسیدگی به امور مدنی، حسبی و بازرگانی در سراسر کشور.
- ۳- ایجاد موقعیت‌های مساوی برای اصحاب دعوا در اثبات ادعای خود یا دفاع از ادعا و در نتیجه تضمین و تثبیت حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی. (جلوگیری از تعدی صاحبان قدرت و نفوذ به ضعفا در جامعه)
- ۴- سرعت در حل و فصل دعاوی
- فوائد آ.د.م.

برخی آ.د.م. را فرزند وحشتناک خانواده حقوقی (به لحاظ پیچیدگی‌های فنی) نامیده‌اند. به گفته برخی: آ.د.م. (آیین دادرسی) دشمن قسم خورده خودکامگی و خواهر توأمان آزادی است.

هدف آ.د.م. احقاق حق و ابطال باطل (صرف وجود قوانین و قواعد ماهوی خوب و صحیح دلیل اجرای عدالت در جامعه نیست) رسیدن به عدالت و اجرای آن (آ.د.م. خوب و بهترین ابزار اجرای عدالت است).

- خصوصیات مقررات آ.د.م.

چهارویژگی قابل ذکر است

۱- از جمله قوانین شکلی است. (در مقابل قانون ماهوی)

البته گاه در آ.د.م. قواعد ماهوی نیز به چشم می‌خورد. (مواد ۱۹۷-۱۹۸ موضع با قاعده‌ای حقوقی را بیان می‌کنند).

- قوانین شکلی: یعنی شکل و پیدا شدن عمل قضایی و تشریفات رسیدگی به اسناد و طرز دادرسی و چگونگی تشکیل محاکم و صلاحیت مرجع قضایی و به‌طور کلی طرق رسیدگی به حقوق افراد را به هنگام طرح اختلاف در محاکم مشخص و معین می‌کند. همچنین قواعدی که به منظور اجرای احکام تا وصول و استیفای محکوم باید رعایت و اجرا شود، قوانین شکلی است.

- قوانین ماهوی: موضوعی از موضوعات حقوقی را بیان می‌کند و نظری به منازعه و اختلاف و طرز رسیدگی به آن ندارد. (در فقه قانون ثبوتی گفته‌اند). موجد حق هستند و اسباب و مبانی حقوق افراد را مشخص می‌نمایند. مانند قواعد حقوق مدنی در شرایط اساسی صحت معاملات یا تعیین سهام ورثه و نظایر آنها.



اصطلاح دیگر:

- قوانینی شکلی: قوانین مثبت حق.

- قوانین ماهوی: قوانین مُجد حق.

۲- عمده مقررات آ.د.م از قواعد آمره است، لذا با نظم عمومی مرتبط است.

اگر این قواعد رعایت نشود یا عملی خلاف آن انجام گیرد، موجب بطلان عمل خواهد بود. قاعده آمره در مقابل مخیره یا تکمیلی یا اختیاری به کار می‌رود:

الف) اشخاص نمی‌توانند به تراضی برخلاف آن عمل کنند.

ب) به طور مستقیم مربوط به نظم عمومی است.

ج) و تکلیف است که قانون‌گذار ایجاد کرده است.

در نتیجه اگر اصحاب دعوا هم به آن ایراد نکنند، دادگاه رأساً مکلف است در مراحل دادرسی و اجرای رأی به آن توجه کند.

گفتیم عمده مقررات آ.د.م از قواعد آمره است، به واقع برخی مقررات آن آمره نیست.

اشخاص می‌توانند با رضایت خود در این موارد مقررات را تعدیل کنند یا اجرا ننمایند و محاکم هم می‌توانند اگر اصحاب دعوا تا مهلت معینی مثلاً جلسه اول دادرسی اقدام یا اجرا نکنند، به اعتراض یا ایراد بعدی اصحاب دعوی توجهی ننمایند. گاه تشخیص این که کدام یک از مقررات آ.د.م. آمره یا مخیره است، به سادگی میسر نیست. از جهت مخیره یا آمره بودن، قواعد دادرسی را به سه دسته عمده تقسیم می‌نمایند:

- دسته اول:

مقررات مربوط به اقامه دعوا و سازمان قضایی آمره

- دسته دوم:

مقررات مربوط به صلاحیت مراجع قضایی

- دسته سوم:

مقررات مربوط به آ.د.م. به معنی اخص که شامل تنظیم دادخواست، ابلاغ، نحوه دادرسی، صدور و اجرای رأی و شکایت از آراء می‌باشد.

- دسته اول: مقررات مربوط به اقامه دعوی و سازمان قضایی.

این مقررات آمره‌اند و نقص آن‌ها سبب بطلان رأی دادگاه خواهد بود.

مثال ۱: اگر در دادگاه تجدید نظر استان که باید حداقل دو عضو در صدور رأی شرکت داشته باشند (ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون ت.د.ع.ا مصوب ۱۳۸۱) به رضایت طرفین یک قاضی رسیدگی و حکم صادر نماید، قانونی نبوده و قابل نقض است.

مثال ۲: اگر از شرایط اقامه دعوا (مثل ذینفع بودن، سمت و اهلیت داشتن) رعایت نشود (ماده ۲ ق.آ.د.م.) و دادگاه رسیدگی نماید و فجر به صدور رأی شود، چون قاعده آمره است و مربوط به نظم عمومی است، نقض خواهد شد.

- دسته دوم: قواعد مربوط به صلاحیت مراجع قضایی

در این مورد باید بین قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی با قواعد مرتبط با صلاحیت نسبی تفاوت قایل شد. در صلاحیت ذاتی اختیارات دادگاه از حیث صنف (از صنف‌های مختلف محسوب می‌گردند، مراجع اداری یا عمومی و نظامی) و نوع (عمومی، اختصاصی یا استثنایی) و درجه (بدوی؛ تجدید نظر) در رسیدگی و صدور رأی با وضع قانون مشخص می‌شود.

اگر دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی، رأیی صادر کند صرف نظر از این که در ماهیت درست و به حق رسیدگی نموده باشد یا خیر، رأی نقض و عمل باطل است. مثلاً بین دادگاه‌های عمومی و مراجع اداری تفاوت در صلاحیت ذاتی وجود دارد. اگر رأی از مرجع فاقد صلاحیت ذاتی صادر شود به لحاظ عدم رعایت قواعد آمره نقض خواهد شد. اصولاً قواعد صلاحیت نسبی (یا محلی) به جهت نفع خصوصی و آسایش و راحتی اصحاب دعوا وضع شده است؛ جنبه مخیره دارند و امری نیستند. اگر دادگاه این صلاحیت را رعایت نکند (در مرحله فرجامی برابر ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م.) رأی صرفاً از این جهت نقض نخواهد شد. مثلاً اگر دعوای مربوط به غیر منقول (ماده ۱۲ ق.آ.د.م.) که در صلاحیت محل وقوع ملک است، عمداً یا اشتباهاً در شهر دیگری طرح و خوانده نیز به عمد یا اشتباه ایراد



نکند و رأی صادر شود، این رأی به صرف عدم رعایت صلاحیت نسبی (محلی) نقض نخواهد شد. (مستفاد از مفهوم مخالف بند اول ماده ۳۷۱ «ناظر بر ۳۶۷ در فرجام» و علی‌رغم اطلاق مفاد ماده ۳۵۲ که مربوط به مرحله تجدید نظر است) ماده ۴۴ ق.آ.د.م. ۱۳۱۸ صریحاً امکان تراضی اصحاب دعوی در مراجعه به دادگاه بدوی هم عرض دادگاه صالح را پیش‌بینی کرده بود، در سال ۷۹ حذف شد.

– دسته سوم: مقررات مربوط به آ.د.م. به معنی اخص

این مقررات علی‌الاصول جنبه آمره دارند؛ ولی در موارد استثنایی و جایی که منفعت خصوصی اصحاب دعوا اهمیت بیشتری از منفعت عمومی و نظم عمومی دارد از جمله قواعد مخیره محسوب می‌گردند.

مثلاً ← - علنی برگزار شدن جلسات دادرسی (اصل ۱۶۵ ق.ا.) مگر در موارد خاص و استثنایی.
 ← - مهلت مقرر در ماده ۲۶۲ که با درخواست کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین می‌نماید.
 ← - در اجرای حکم محکوم له می‌تواند علی‌رغم اصول و مقررات به‌طور کتبی درخواست تعطیل اجرا یا تأخیر یا قطع یا توقیف موقت عملیات اجرایی را نماید. (ماده ۲۴ ق.ا.ا.م.)

در تقدم نفع عمومی بر نفع خصوصی، ضابطه صریحی نیست و اغلب و عملاً قاضی در خصوص مورد با تفسیر قضایی ترجیح نفع عمومی به نفع خصوصی و شخصی را معلوم می‌نماید.

۳- مقررات آ.د.م. حاکمیت مکانی و زمانی دارد.

در قلمرو مکانی: اصل بر حکومت اجرایی قوانین ماهوی و شکلی در سراسر کشور است (مواد ۲ و ۵ ق.۲). قوانین ماهوی جز در مورد قوانین احوال شخصیه (نکاح، طلاق، اهلیت اشخاص و وراثت) که در خارج از مرزهای کشور هم حاکمیت اجرایی دارند، سایر قوانین ماهوی و کلیه قوانین شکلی از لحاظ مکانی فقط در قلمرو جغرافیایی کشور اجرا می‌شوند.

در قلمرو زمانی: شقوق مختلفی وجود دارد.

– مقررات شکلی با نظم عمومی ارتباط دارد و فرض بر آن است که قوانین مؤخر التصویب برای بهبودی سازمان قضایی کشور، احقاق حق و اجرای عدالت وضع شده، عطف به ماسبق می‌شوند. برخلاف مقررات ماهوی (ماده ۴ ق.م.) با توجه به تقسیم پیشین: مقررات شکلی مربوط به سازمان قضایی آمره است و عطف به ماسبق می‌شوند، مثلاً اگر در قانون مؤخر التصویب تعداد قضات دادگاه تجدید نظر افزایش یابد (مثلاً ۳ نفر به ۵ نفر)، این قانون شامل پرونده‌های مطروحه که مربوط به سابق بوده و مطرح رسیدگی است، خواهد بود؛ مگر در قانون خلاف آن پیش‌بینی شود.

در مورد مقررات مربوط به صلاحیت

قواعد صلاحیت ذاتی آمره و عطف به ماسبق می‌شود و فرض بر این است که قانون لاحق دادگاهی را بهتر و اصلح تشخیص داده و نفع و ضرری به اصحاب دعوا تحویل نمی‌شود.

– مثلاً در ۱۳۷۶ قانونی وضع شد که در هر حوزه قضایی حداقل یک شعبه از دادگاه عمومی به مسایل خانواده اختصاص داده شود و ۱۳ مورد از دعاوی به دادگاه خاص خانواده محول شد و پرونده‌های مطروحه در محاکم عمومی با توجه به عطف به ماسبق شدن این قانون به این محاکم محول شد و اصحاب دعوی نمی‌توانند به عوض شدن دادگاه اعتراض نمایند.

برای مثال، تا سال ۱۳۶۰، دعاوی مردم علیه دولت و ارگان دولتی در دادگاه‌های عمومی سابق یا دیوان کشور مطرح بود. برابر تبصره ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری، با تشکیل این دیوان پرونده‌های مطروحه به دیوان عدالت اداری احاله شد.

مقررات مربوط به صلاحیت نسبی

مخیره یا تکمیلی است، چون برای آسایش و نفع اصحاب دعوا وضع شده، قانون جدید معمولاً منافع یا حق مکتسب را نادیده نمی‌گیرد و این مقررات عطف به ماسبق نمی‌شود.



مثلاً اگر دادگاهی در زمان حکومت قانون سابق از لحاظ صلاحیت محلی صالح نبوده و بنا به تراضی طرفین قبول رسیدگی کرده، حق مکتسب نادیده گرفته نمی‌شود و رسیدگی نموده رأی خواهد داد.

- در مورد دسته سوم مقررات آ.د.م به معنی خاص:

← اگر قانون جدید مقررات اداره دلایل را تغییر دهد، متضمن تضييع حق مکتسبه نیست. مثلاً نحوه رسیدگی به اصالت سند یا دعوت طرفین یا کارشناس یا معاینه و تحقیقات محل و ... مقررات جدید عطف به ماسبق می‌شود.

← اما اگر تغییر در قانون جدید متضمن تضييع حق مکتسبه اصحاب دعوا باشد، باید قائل به عدم عطف به ماسبق شدن مقرره جدید نسبت به پرونده‌های مطرح رسیدگی شد.

قائل به تفکیک شده‌اند

مثال ۱: مثلاً در زمان صدور حکم بدوی مهلت تجدید نظر خواهی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ بوده است و قانون جدید آن را به ۱۰ روز تقلیل دهد. این مهلت اخیر عطف به ماسبق نمی‌شود و حق ذینفع را باید همان ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ محاسبه کنیم.

مثال ۲: اگر با قانون جدید احکام قطعی صادره در حکومت قانون سابق از حالت قطعی خارج شود، مقررات جدید را بر احکام قبلی مؤثر نمی‌دانند. چون حق شخصی که در قانون سابق تثبیت شده متزلزل می‌گردد و منافی حق مکتسبه خواهد بود.

البته اگر در قانون جدید به طور صریح خلاف این اصل تصریح گردید به ناچار به همان نحوی که در قانون ذکر شده، عمل می‌شود. (مثل ماده ۹ ق.آ.د.م. ۷۹- نسبت به حق تجدید نظر خواهی عطف به ماسبق شده) توضیح اینکه:

ماده ۳۳۱ ملاک تجدید نظر خواهی را خواسته متجاوز از ۳/۰۰۰/۰۰۰ قرار داده، قانون سابق (ق.ت.د.ع.و.ا. مصوب ۱۳۷۳) ملاک تجدید نظر خواهی را خواسته متجاوز ۲/۰۰۰/۰۰۰ قرار داده، از طرفی حق تجدید نظر خواهی منوط به تاریخ صدور حکم شده است؛ در صورتی که باید زمان تقویم دادخواست ملاک قرار می‌گرفت تا تضييع حق نشود. مثلاً کسی خواسته خود را در زمان قانون سابق ۲/۰۰۰/۰۰۱ ریال تقدیم نموده و حق تجدید نظر دارد. پس از تصویب قانون ۱۳۷۹ پرونده منتهی به صدور حکم می‌شود با حکم ماده ۹ این شخص حق تجدید نظر خواهی ندارد.

تغییرات قانون جدید که عطف به ماسبق می‌گردد، اگر پرونده در رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور باشد مؤثر نیست و ماده ۳۷۲ ق.آ.د.م. همین معنی را مورد حکم قرار داده است.

برخی مقررات آ.د.م. به دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات و تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، مربوط می‌گردد که وقف ماده ۱۹۵ این دلایل تابع قوانین زمان انعقاد آنها است؛ مگر دلیل از ادله شرعیه‌ای باشد که مجری نبوده یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.

تغییر قواعد مربوط به دلایل اثبات عقود یا ایقاعات و تعهدات یا قراردادهای در قانون جدید عطف به ماسبق نمی‌شود. چون در این مورد بر ضابطه حق مکتسبه وجود دارد.

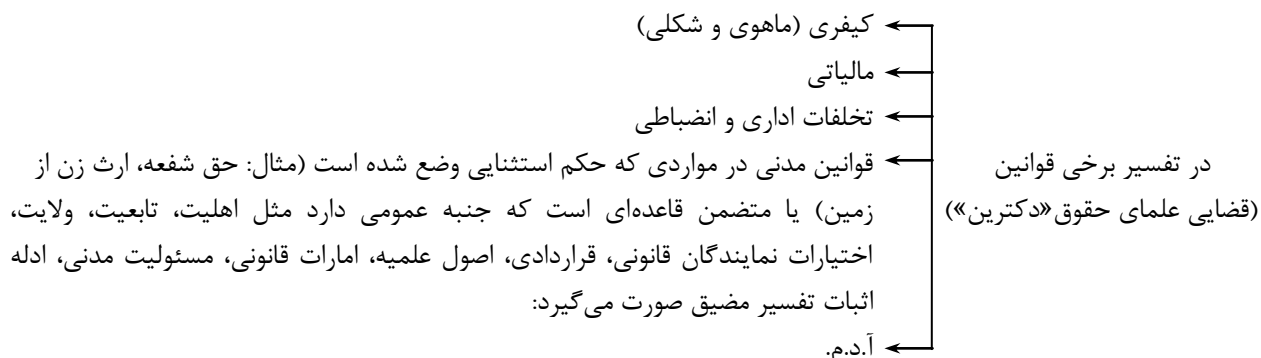
اما مقررات مربوط به دلایل اثبات وقایع خارجی و ضمان قهری مثل اتلاف و تسبیب و مسئولیت مدنی تولد، فوت، نسبت و غیره برابر ماده ۱۹۶ تابع قانونی است که در موقع رسیدگی مجری است، در نتیجه عطف به ماسبق نمی‌شود و چون در این مورد بحث رضایت طرفین یا حق مکتسبه مطرح نیست و فرض آن است که قانون لاحق بهتر و مفیدتر به حال متضرر و زیان‌دیده و نظم جامعه است.

۴- در مورد مقررات آیین دادرسی مدنی تفسیر مضیق حاکم است.

تفسیر قضایی یکی از ← - تفسیر علمای حقوق یا دکترین
انواع تفسیر است ← - تفسیر قانون‌گذار / تفسیر قانون از سوی شورای نگهبان



اصل ۷۳ ق.ا. آن را برای قاضی در مقام تمیز حق از قوانین به رسمیت شناخته است.



مدلول قانون مضیق و محدود تفسیر می‌شود.

از تسری حکم به موارد سکوت قانون یا موارد احتمالی و قیاس و توسعه متن خودداری می‌شود. این خصوصیت چهارم مقررات آ.د.م. مستخرج و نتیجه آمره بودن عمده مقررات این رشته دانسته شده است.

مثال: A دادخواستی تقدیم دادگاه نموده اما آن را امضا نکرده است. دفتر دادگاه هم توجه نکرده و دادخواست ثبت شده، بعداً مدیر دفتر متوجه می‌شود.

سؤال: آیا می‌توان به استناد ماده ۵۶ ق. ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست را صادر کرد؟

- پاسخ منفی است. در این ماده اگر خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، قرار رد دادخواست صادر می‌شود. اما به جهت تفسیر مضیق نمی‌توان عدم امضاء را با آن دو قیاس کرد و حکم تسری داد.

هرچند ماده ۵۳ بند ۲ این مورد که بند ۷ ماده ۵۱ است از موارد توقیف دادخواست شمرده نشده است. در عین حال نباید قرار رد توسط مدیر دفتر صادر شود، بلکه باید اخطار رفع نقص شود. نظر مخالف هم وجود دارد، اما با تفسیر مضیق نظر مخالف قابل پذیرش نیست و چون ضمانت اجرای عدم امضاء صریحاً پیش‌بینی شده و موضوع ساکت است، نمی‌توان با ملاک و قیاس و تفسیر موسع ماده ۵۶ به خود دادخواست دهنده که ممکن است تمبر هم به میزان زیادی باطل و مدارک مورد لوزم را ضمیمه کرده باشد، بدون اخطار قرار رد دادخواست صادر کرد.

- موقعیت آ.د.م. در بین سایر رشته‌های حقوقی:

در اینکه جزء حقوق خصوصی یا حقوق عمومی است، اختلاف نظر وجود دارد.

به نظر برخی: چون از اعمال قضایی که از تکالیف حکومت و اجرای عدالت است قواعد آن در ارتباط با نظم عمومی است، لذا باید جزء حقوق عمومی محسوب شود. مثل: حقوق کار؛ حقوق اداری، آ.د.ک.، حقوق جزا، حقوق مالیات.

برخی دیگر بر این عقیده‌اند که: اگرچه آ.د.م. از سازمان قضایی کشور و اختیارات محاکم و نحوه حل و فصل دعاوی و اختیارات مأموران قضایی و اداری دادگستری بحث نمی‌شود، اما در واقع بحث اصلی دفاع از منافع خصوصی اشخاص، علت عمده ایجاد این رشته است و رشته‌ای از حقوق خصوصی است.

- از جنبه نظری می‌توان گفت رشته‌ای است مختلط از حقوق خصوصی و حقوق عمومی.

مقررات مربوط به سازمان قضایی و صلاحیت محاکم و اختیارات مأموران قضایی و اداری تابع حقوق عمومی است و بقیه مقررات که ناظر به تکالیف طرفین دعوا و روابط شخصی آن است، تابع حقوق خصوصی است.

- اما از جنبه عملی مرتبط با حقوق خصوصی است. برای مثال در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا از دروس حقوق خصوصی است. البته، امروزه هر دو رشته (حقوق خصوصی و حقوق عمومی) به علت گستردگی و پیچیدگی اختلافات و دعاوی و دخالت بیشتر دولت‌ها بیش از پیش به هم نزدیک شده‌اند. به نحوی که هیچ یک از رشته‌های حقوقی را نمی‌توان به صورت محض خصوصی یا عمومی دانست. مثلاً حقوق تجارت و مدنی نیز قواعد و مقررات عمومی دارند مثل تابعیت، اقامتگاه، غایب مفقودالاثر با ورشکستگی، اشخاص حقوقی و اسم تجاری.



مسئله نسبی است، فقط با توجه به قاعده غلبه رشته‌ای که قواعد آن بیشتر جنبه خصوصی دارد به حقوق فردی اشخاص مربوط است، حقوق خصوصی و از توابع و لواحق آن شمرده می‌شود. و رشته‌ای که قواعد آن بیشتر جنبه عمومی دارد و به حقوق جامعه مربوط است، حقوق عمومی و از توابع و ملحقات آن محسوب می‌گردد.

نکات ویژه کلیات

الف) تعریف و خصوصیات آیین دادرسی مدنی

بر طبق ماده‌ی ۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آیین دادرسی مدنی، مجموعه‌ی اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدید نظر و دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون، موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

بحثی که در این جا می‌توان مطرح نمود، امری بودن یا تخییری بودن این اصول و مقررات است. از آنجایی که اموری همچون تعیین مرجع صالح، شیوه رسیدگی به دعوا و طرق شکایت از آراء نمی‌تواند به نظر اصحاب دعوا واگذار شود، طبیعی است که آیین دادرسی مدنی در معنای اخص را دارای خصوصیتی آمره بدانیم و توافق خلاف آن را بی‌اثر در نظر بگیریم. خصوصیت دیگری که برای آیین دادرسی مدنی قابل طرح است، قابلیت عطف به ماسبق شدن آن می‌باشد. بر طبق ماده‌ی ۹ قانون جدید، رسیدگی به دعوی که قبل از تاریخ اجرای قانون جدید اقامه شده، به ترتیب مقرر در قانون جدید ادامه می‌یابد، یعنی قانون از این طریق عطف به ماسبق شدن را به رسمیت شناخته است.

البته بر طبق ماده‌ی فوق، آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این که آن قوانین خلاف شرع شناخته شود.

هم‌چنین نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای قانون فوق‌الذکر در جریان رسیدگی تجدید نظر یا فرجامی است، به ترتیب مقرر در قانون جدید عمل خواهد شد.

ب) لزوم درخواست رسیدگی به دعوا از ناحیه ذی‌نفع

توجه به این امر از آن جهت اهمیت دارد که در امور کیفری، تمامی جرایم بر طبق ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، دارای جنبه‌ی الهی بوده و در بسیاری از مواقع ذی‌نفع آن تنها جامعه است؛ یعنی حتی در مواردی که شاکی خصوصی نیز وجود ندارد، در بسیاری از موارد دادستان موظف است از طرف جامعه اقامه دعوا نماید.

اما در امور مدنی، بر طبق ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند، مگر این که شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

ج) تکلیف به رسیدگی

بر طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

نظیر همین مورد در ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز طرح شده است. برطبق این ماده، قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشند، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.



همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، برطبق ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، علاوه بر قوانین موضوعه، منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر، قضا می‌توانند به آن دسته از اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشند نیز استناد کنند. نکته‌ای که در این جا باید به آن اشاره شود این است که بر طبق تبصره ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه‌ی دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد. هم‌چنین بر طبق ماده‌ی ۴ قانون فوق‌الذکر، دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی حکم صادر کنند. لازم به ذکر است که بر طبق ماده‌ی ۶ ق.آ.د.م. عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی و یا خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

د) اصل قطعیت احکام

مطابق این اصل، اصولاً آرای دادگاه‌ها قطعی است و قابل رسیدگی مجدد در مرجعی دیگر نیست، مگر این‌که برطبق قوانین خلاف این امر پیش‌بینی شده باشد. برطبق ماده‌ی ۵ ق.آ.د.م. آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم قانون فوق‌الذکر یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدید نظر باشند. منظور از باب چهارم ق.آ.د.م. تجدید نظر در آراء می‌باشد که در ذیل آن قواعد تجدید نظر در آراء از جمله احکام و قرارهای قابل نقض و تجدید نظر بحث می‌شود. لازم به ذکر است که در ادامه تجدید نظرخواهی و طرق فوق‌العاده شکایت از آراء در گفتارهایی جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرند. از سوی دیگر برطبق ماده‌ی ۷ قانون، به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله‌ی بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله‌ی نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون. یعنی اصولاً حتی در مواردی که تجدید نظر بر طبق قانون ممکن است، این امر باید پس از صدور حکم در مراجع بدوی انجام شود. هم‌چنین تغییر در حکم دادگاه و یا جلوگیری از اجرای حکم دادگاه تنها به دادگاه صادرکننده حکم و یا مراجع بالاتر آن واگذار شده است و به غیر از این مراجع، هیچ مرجع دیگری حق انجام موارد فوق را ندارد. برطبق ماده‌ی ۸ ق.آ.د.م. هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند، مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد. در مورد تغییر حکم صادره از طرف قاضی دادگاه بدوی باید اشاره شود که بر اساس قاعده فراغ دادرسی، قاضی صادرکننده حکم اصولاً حق تغییر در حکم صادره را ندارد، مگر در موارد ذیل:

۱- اعاده دادرسی

۲- اعتراض ثالث

۳- واخواهی از حکم غیابی

در مورد مفهوم مرجع بالاتر نیز که در این ماده به آن اشاره شده است، باید اشاره کرد که منظور از این مراجع دادگاه تجدید نظر استان و یا دیوان عالی کشور بنا به مورد است.



سؤالات چهار گزینه‌ای کلیات

- ۱- حکم صادره از دادگاه عمومی (در مرحله بدوی) قطعی است یا خیر؟
 (۱) موکول به نظر دادگاه است.
 (۲) در صورتی که قابل تجدید نظر نباشد، قطعی است.
 (۳) قطعی است.
 (۴) قطعی نیست.
- ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند، به دعوایی رسیدگی کند:
 (آزاد- ۷۵، قضاوت- ۷۸ و مشاوران- ۸۰)
 (۱) مگر این که خواهان یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی با دعوا را با رعایت مقررات خواسته باشد.
 (۲) مگر این که خواهان یا فرد ذی‌سمت از سوی او با رعایت موازین و مقررات جاری اقامه دعوا نموده باشد.
 (۳) مگر این که شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.
 (۴) مگر این که شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی‌سمت قانونی از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری درخواست کامل داده باشند.
- ۳- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند:
 (آزاد- ۸۰، سراسری- ۸۳)
 (۱) باید بر اساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.
 (۲) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
 (۳) باید بر اساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قابل تجدید نظر است.
 (۴) پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد تا حل اختلاف کند.
- ۴- دادگاه‌ها مکلف‌اند:
 (مشاوران- ۸۱)
 (۱) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نمود، و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.
 (۲) به دعوا مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر کنند.
 (۳) به دعوا مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رأی پرونده را صادر کنند.
 (۴) در مورد هر دعوا به طور خاصی تعیین تکلیف نمایند.
- ۵- حکمی از دادگاه عمومی صادر شده که با توجه به مقررات حاکم در زمان صدور آن غیرقابل فرجام و با توجه به مقررات حاکم در زمان ابلاغ آن قابل فرجام است. فرجام‌خواهی محکوم علیه نسبت به این حکم، قانوناً: (وکالت- ۸۳)
 (۱) ممکن نیست.
 (۲) ممکن است.
 (۳) بستگی به مقررات فعلی دارد.
 (۴) بستگی به نظر ریاست دیوان عالی کشور دارد.
- ۶- مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص، اصولاً، از قواعد:
 (آزاد- ۸۴)
 (۱) آمره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها مؤثر نیست.
 (۲) مخیره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها مؤثر است.
 (۳) آمره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها، به صلاحدید دادگاه، مؤثر است.
 (۴) مخیره شمرده می‌شوند و توافق خلاف آن‌ها، به صلاحدید دادگاه مؤثر است.



- ۷- مقررات مربوط به سازمان قضاوتی، از قواعد آمره:
- (۱) بوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آن‌ها بی‌اثر است.
 - (۲) بوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آن‌ها بی‌اثر است.
 - (۳) نبوده و اثر فوری دارند و توافق خلاف آن‌ها معتبر است.
 - (۴) نبوده و اثر فوری ندارند و توافق خلاف آن‌ها معتبر است.
- ۸- اگر در ارتباط با دعوا مطروحه حکم قانونی موجود نباشد، قاضی رسیدگی کننده چه تکلیفی دارد؟ (وکالت - ۸۴)
- (۱) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوا را رد کند.
 - (۲) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر کند.
 - (۳) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید.
 - (۴) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم حکم قضیه را صادر نماید.
- ۹- رسیدگی به دعاوی بازرگانی، در حال حاضر، در دادگاه‌های برابر به عمل می‌آید، جز در مواردی که ترتیب خاصی تعیین شده باشد. (سراسری - ۸۵)
- (۱) تجاری - قانون تجارت
 - (۲) عمومی - قانون تجارت
 - (۳) تجاری - قانون آیین دادرسی مدنی
 - (۴) عمومی - قانون آیین دادرسی مدنی
- ۱۰- پیش از صدور رأیی که از دادگاه صادر شده و طبق مقررات قطعی است، طرفین توافق می‌نمایند که رأی مزبور قابل تجدید نظر باشد، این رأی قابل تجدید نظر:
- (۱) است، چون مربوط به حقوق خصوصی اشخاص است.
 - (۲) نیست، چون توافق خلاف قواعد آمره است.
 - (۳) است، چون در دادگاه انقلاب تنها به موازین شرعی عمل می‌شود.
 - (۴) نیست، چون امر در دادگاه انقلاب مطرح است.
- ۱۱- اگر در جریان رسیدگی به دعوایی، به موجب قانون جدیدی تعداد قضات دادگاه تغییر یابد، در ادامه‌ی رسیدگی، تعداد قضات باید به تعدادی باشد که:
- (۱) در قانون جدید پیش‌بینی شده مگر طرفین خلاف آن تراضی نمایند.
 - (۲) در قانون قبلی پیش‌بینی شده بود.
 - (۳) در قانون قبلی پیش‌بینی شده بود مگر طرفین خلاف آن تراضی نمایند.
 - (۴) در قانون جدید پیش‌بینی شده است.
- ۱۲- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند. (وکالت - ۸۸)
- (۱) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید تا حل اختلاف شود.
 - (۲) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدید نظر است.
 - (۳) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.
 - (۴) پرونده به شعبه‌ی دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
- ۱۳- چنانچه در قضیه‌ی مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه‌ی قاضی چیست؟ (وکالت - ۸۸)
- (۱) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.
 - (۲) باید با مصالحه فصل خصومت کند.
 - (۳) باید به داوری ارجاع دهد.
 - (۴) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم مقتضی صادر کند.



(وکالت - ۸۸)

۱۴- آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع چه قانونی است؟

(۱) قانون مجری در زمان صدور آنان، مگر این که قوانین خلاف شرع شناخته شود.

(۲) قانون زمان تقدیم دادخواست بدوی

(۳) قانون زمان اعتراض یا تجدید نظر یا فرجام

(۴) قانون لاحق



پاسخ سؤالات چهار گزینه‌ای کلیات

- ۱- گزینه‌ی «۲»
ماده‌ی ۷ ق.آ.د.م.: «به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.»
- ۲- گزینه‌ی «۳»
ماده‌ی ۲ ق.آ.د.م.: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به ماهیت دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.»
- ۳- گزینه‌ی «۲»
تبصره ماده‌ی ۳ ق.آ.د.م.: «چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه‌ی دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.»
- ۴- گزینه‌ی «۴»
ماده‌ی ۴ ق.آ.د.م.: «دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام یا کلی حکم صادر کنند.»
- ۵- گزینه‌ی «۱»
ماده‌ی ۹ ق.آ.د.م.: «آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدید نظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود.»
- ۶- گزینه‌ی «۱»
«توافق خلاف قواعد آمره به هیچ وجه مؤثر نمی‌باشد، از جمله مقررات آیین دادرسی به معنای اخص آن.»
- ۷- گزینه‌ی «۱»
- ۸- گزینه‌ی «۳»
ماده‌ی ۳ ق.آ.د.م.: «قضات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشند، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.»
- ۹- گزینه‌ی «۴»
ماده‌ی ۱ ق.آ.د.م.: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدید نظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.»
لازم به ذکر است که رسیدگی نخستین به دعاوی، بر طبق ماده‌ی ۱۰ ق.آ.د.م.، حسب مورد در دادگاه‌های عمومی و انقلاب است، که در مورد مطرح شده در سؤال دادگاه‌های عمومی رسیدگی نخستین را بر عهده دارند.
- ۱۰- گزینه‌ی «۲»
همان گونه که فوقاً نیز اشاره شد توافق برخلاف قواعد آمره، از جمله قواعد مربوط به آیین دادرسی مدنی در معنای اخص آن دارای اثر نمی‌باشد.



۱۱- گزینه‌ی «۴»

۱۲- گزینه‌ی «۴»

تبصره‌ی ماده‌ی ۳ ق.آ.د.م. «چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه‌ی دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.»

۱۳- گزینه‌ی «۴»

در این مورد به ماده‌ی ۳ ق.آ.د.م. رجوع کنید.

۱۴- گزینه‌ی «۱»

در این مورد به ماده‌ی ۹ ق.آ.د.م. رجوع کنید.



سازمان قضایی کشور

محدوده و مفاهیم

مراجعی که به نوعی اقدام به قضاوت می‌نمایند (به معنی اعم)
 مراجع قضاوتی به دو دسته تقسیم می‌شوند }
 - مراجع قضایی (معنی اخص)
 - مراجع غیر قضایی

تعاریف:

- **مرجع قضایی:** مرجعی است که متصدیان و اعضای رسیدگی کننده آن دارای صلاحیت قضا بوده و ابلاغ از قوه قضاییه یا ابلاغ خاص از طرف مقام رهبری داشته و به دعاوی و اختلافات و شکایات اشخاص رسیدگی نمایند.

با این تعریف: دادگاه‌های عمومی، اعم از شعب عادی و تخصصی آن، دادگاه‌های تجدید نظر دیوان عالی کشور، دادستانی کل کشور، دادگاه انقلاب، دادگاه‌های نظامی، دادسراها و دادگاه ویژه روحانیت و دیوان عدالت اداری، مرجع قضایی محسوب می‌شوند.

- **مراجع غیر قضایی:** مراجعی‌اند که در آن‌ها قضاوت صورت می‌گیرد اما همه اعضای آن دارای شرایط متفاوت و ابلاغ از قوه قضاییه نیستند یا طبیعت کار آن‌ها رسیدگی به تخلفات شغلی است که حسب مورد مراجع شبه قضایی، یا مراجع "اداری، نظامی، انضباطی" می‌نامند.

با این تعریف، کمیسیون‌های اداری مثل:

(مراجع شبه قضایی)

- کمیسیون بدوی و تجدید نظر ماده صد شهرداری و تجدید نظر آن (ماده ۵ و مواد ۷۷ و ۹۹)

- هیأت‌های حل اختلاف ادارات ثبت احوال و شورای عالی ثبت احوال کشور

- کمیسیون تشخیص سن اداره ثبت احوال

- هیأت‌های نظارت ثبت استان و شورای عالی ثبت

- هیأت‌های بدوی و تجدید نظر سازمان تأمین اجتماعی

- هیأت‌های حل اختلاف اراضی اختلافی جنگل‌بانی (کمیسیون ماده واحده)

- هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف قانون کار و کارگری

- هیأت‌های داوری و حل اختلاف مالیاتی و شورای عالی مالیاتی

- هیأت نظارت بر مطبوعات

- مراجعی که در قانون نظام صنفی پیش‌بینی شده

- هیأت‌های حل اختلاف شخصی در مناطق عشایری

- هیأت داوری بورس و اوراق بهادار

- کمیسیون موضوع آیین‌نامه رسیدگی به تخلفات فروشندگان البسه که استفاده از آن در ملاءعام خلاف شرع است.

- هیأت‌های حل اختلاف ماده ۱۴۷ ق ثبت

- شعبات بدوی و تجدید نظر و عالی سازمان تعزیرات حکومتی

- هیأت پولی و بانکی کشور

- کمیسیون تشخیص زارع

- کمیسیون بدوی و تجدید نظر اختلافات گمرکی

- کمیسیون ماده ۱۶ قانون گذرنامه

- هیأت هفت نفره واگذاری زمین

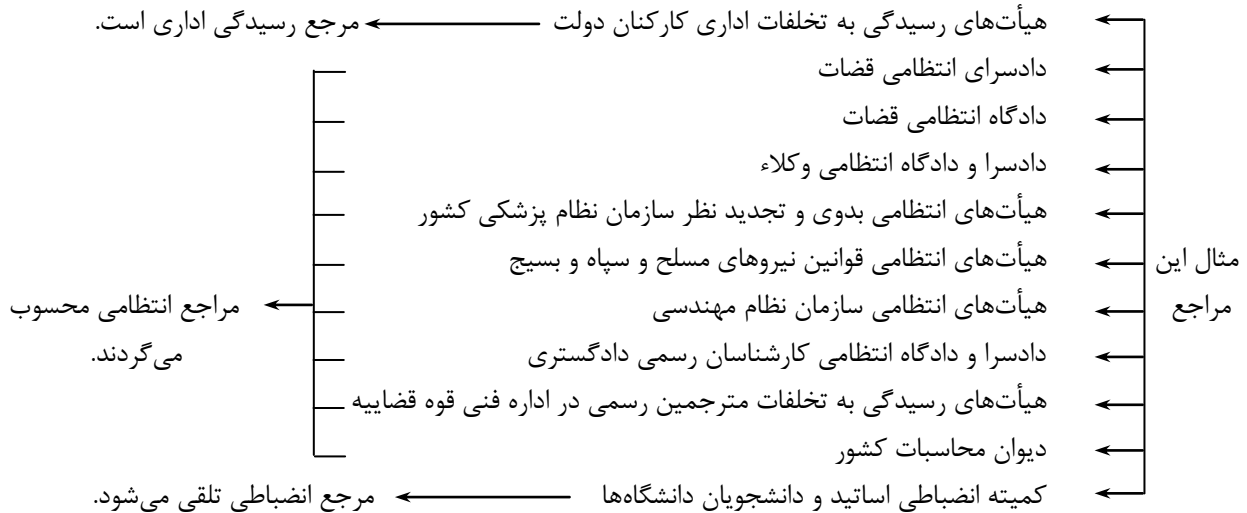
- شعب تحقیق ادارات اوقاف

- کمیسیون ماده ۱۲ زمین شهری



کمیسیون‌های مذکور مراجع شبه قضایی‌اند.

گاه در برخی مراجع غیرقضایی قضاوت به معنی خاص مطرح نیست و رسیدگی و تعیین مجازات مربوط به تخلفات شغلی و صنفی است. و اگر افرادی هم مراجعه و شکایت داشته باشند، جنبه فرعی دارد و اصل وجود این مراجع برای حراست و نظم و انتظام آن دستگاه خاص است. چنین مراجعی را مراجع اداری، انتظامی یا انضباطی نامیده‌اند.



مرجع قضایی مرجعی است که

- ← متصدیان اداری صلاحیت قضا هستند.
- ← ابلاغ از قوه قضاییه دریافت می‌کنند.
- ← با رسیدگی به دعاوی و اختلافات اشخاص اتخاذ تصمیم قضایی می‌نمایند.

با تعریف یاد شده، دیوان عدالت اداری مرجع غیرقضایی یا اداری نیست. (برخلاف نظر دکتر شمس که آن را عالی‌ترین مرجع اداری می‌داند).

چون

- ← اولاً: متصدیان شعب و رییس دیوان اداری شرایط قضا هستند.
- ← ثانیاً: دارای ابلاغ قضایی از قوه قضاییه‌اند.
- ← ثالثاً: عهده‌دار امر قضاوت به معنی خاص هستند، یعنی اقدام به رسیدگی به اختلافات حقوق فی مابین مردم و دولت می‌نمایند.

نظر به تعریف یاد شده سازمان بازرسی کل کشور، مرجع قضایی محسوب نمی‌شود؛ چون طبیعت وظایف این سازمان عمدتاً نظارتی است. (حق رسیدگی و صدور رأی ندارند. هر چند استثنائاً اختیاراتی دارند که حتی گاه قادرند برای متهم قرار تأمین صادر کنند).

توضیح مختصر در مورد کمیسیون‌های اداری

مراجع شبه قضایی

- ۱- کمیسیون بدوی و تجدید نظر ماده صد شهرداری - رسیدگی به تخلفات ساختمانی کمیسیون بدوی و تجدید نظر ماده پنج شهرداری - تغییر کاربری کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها - اختلاف بین مؤدی و شهرداری در مورد عوارض
- ۲- هیأت‌های حل اختلاف ثبت احوال - رسیدگی به اختلافات و اشتباهات اسناد سجلی نسبت به موارد مذکور در ماده ۳۶ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ در صورت اعتراض به رأی هیأت برابر ماده ۴ آن دادگاه عمومی دادگستری صالح به رسیدگی خواهد بود.



- ۳- کمیسیون موضوع قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آن‌ها، مصوب ۶۷/۱۱/۲ راجع به تغییر تاریخ تولد صاحب شناسنامه (کمیسیون تشخیص سن ثبت احوال هم نامیده می‌شود).
- ۴- هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف کارگر و کارفرما - رسیدگی به اختلاف کارگر و کارفرما برابر مقررات قانون کار.
- ۵- هیأت رسیدگی به اعتراض امرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و اصلاحی آن موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع امرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع مصوب ۶۷/۶/۲۲ - مستفاد از تست اخیر ماده واحده قانون فوق مرجع تجدید نظر از رأی این هیأت دادگاه عمومی دادگستری است.
- ۶- هیأت حل اختلاف مالیاتی:
رسیدگی به اختلاف مالیاتی و شکایت ناشی از اقدامات اجرایی راجع به مطالبه مالیات.
- ۷- هیأت نظارت ثبت موضوع ماده ۲۵ مکرر قانون ثبت اسناد و املاک و لایحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض مصوب ۱۳۲۳ و مواد ۲۲۹ و ۲۳۰ آیین نامه اجرایی اسناد رسمی لازم الاجرا.
- ۸- شورای عالی ثبت - رسیدگی به اعتراض نسبت به آرای هیأت نظارت موضوع ماده ۲۵ مکرر قانون ثبت. و املاک و دیگر مواردی که در قوانین به عهده شورا محول شده است.
- ۹- شعب تحقق ادارات اوقاف: موضوع ماده ۱۴ قانون سازمان اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ و آیین نامه کیفیت تحقیق سازمان راجع به تشخیص متولی و ناظر و موقوف علیهم و مرجع رسیدگی به اعتراض از نظر این شعب با توجه به تبصره ماده ۱۵ این قانون دادگاه‌های عمومی دادگستری است.
- ۱۰- هیأت نظارت بر مطبوعات - موضوع قانون مطبوعات.
- ۱۱- هیأت هفت نفره واگذاری زمین (موضوع قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۶۵/۹/۳۰) در وزارت کشاورزی در تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهری از طریق این هیأت اقدام می‌گردد.
- ۱۲- کمیسیون ماده ۱۲ زمین شهری - در وزارت مسکن و شهرسازی در تشخیص عمران و احیاء و تأسیسات مناسب و تعیین نوع زمین دایر و تمیز بایر از موات برابر ماده ۱۲ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ در این کمیسیون رسیدگی می‌گردد. اعتراض به تصمیم این کمیسیون در صلاحیت دادگاه عمومی است.
- ۱۳- هیأت واگذاری زمین در تشخیص اراضی کشت موقت.
- برابر ماده ۳ آیین نامه اجرایی قانون واگذاری زمین‌های دایر و بایر که بعد از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته مصوب ۶۵/۸/۸ اعتراض به تصمیم این هیأت در ستاد مرکزی واگذاری زمین در تشخیص شمول یا عدم شمول اراضی کشت موقت به عمل می‌آید.
- ۱۴- هیأت‌های بدوی و تجدید نظر سازمان تأمین اجتماعی:
هیأت تشخیص مطالبات مربوط به حق بیمه در مورد اختلاف کارفرما با تأمین اجتماعی راجع به میزان حق بیمه موضوع قانون تأمین اجتماعی رسیدگی می‌نماید.
از طرفی همه مراجع رسیدگی قضائیه در حقوق ایران وابسته یا تحت نظارت قوه قضائیه نیستند و برخی مراجع زیر نظر قوه مجریه و قوه مقننه انجام وظیفه می‌نمایند مثل دیوان محاسبات و سازمان تعزیرات حکومتی. با توجه به این وضعیت سازمان قضایی در معنی اعم همان قوه قضائیه نیست و مراجع شبه قضایی زیادی وجود دارد که خارج از قوه قضائیه است.
از طرفی نیز یک مرجع قضایی وجود دارد که هرچند کار آن قضایی به معنی خاص است اما تابع یا وابسته به قوه قضایی نیست. این مرجع، دادگاه ویژه روحانیت است. (ماده ۵۲۸ آ.د.م. مصوب ۱۳۷۵).
- فقط پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن ضوابطی مشابه کارکنان قوه قضائیه دارند ولی در سایر امور به خصوص نصب و عزل رییس دادگاه ویژه دادستان ویژه و سایر قضات آن قوه قضائیه نقشی ندارد. اما جزء سازمان قضایی کشور به معنی اعم است. هم چنین برخی تشکیلات و ارگان‌ها به نوعی مرتبط با قوه قضائیه‌اند ولی وابسته به قوه قضائیه نیستند. به عبارت دیگر تشکیلات مرتبط با تشکیلات وابسته متفاوتند.



تشکیلات وابسته مثل:

- سازمان روزنامه رسمی کشور
- سازمان ثبت اسناد و املاک
- سازمان پزشکی قانونی کشور
- سازمان بازرسی کل کشور
- سازمان قضایی نیروهای مسلح
- اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه
- اداره کل تصفیه امور ورشکستگی
- اداره کل سجل کیفری و عفو و بخشودگی
- اداره کل فنی قوه قضاییه
- اداره کل آموزش قوه قضاییه
- دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری
- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی
- هیأت اجرای مشاوران حقوقی و کارشناسان موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی

تشکیلات مرتبط:

- کانون کارشناسان رسمی دادگستری
 - کانون وکلای دادگستری
 - کانون مترجمین رسمی دادگستری
- تشکیلات مرتبط هر چند جزء قوه قضاییه نیستند ولی جزء سازمان قضایی کشور در معنی اعم محسوب می‌گردند.

- سازمان قضایی کشور (به معنی اخص):

- ۱- قوه قضاییه (نهاد ریاست قوه قضاییه)
 - ۲- وزارت دادگستری
- قوه قضاییه در تمام کشورهای جهان اهمیت خاصی دارد. همان‌طور که گفته شد در مذهب شیعه قضا و قضاوت منصب خاص امام معصوم و نماینده یا نایب امام دانسته شده و در قرآن مجید نیز قضاوت از خصوصیات پیامبران شمرده شده است. بعد از انقلاب در نگرش حاکم بر قضاوت تغییراتی ایجاد شد. اولین مرجع مسئول کشور شورای انقلاب جمهوری اسلامی بود که تا تشکیل مجلس وظیفه تقنینی و تا انتخاب اولین رئیس جمهور، وظیفه اجرایی را به عهده داشت.

با اولین مصوبات شورای انقلاب در اسفند ماه سال ۵۷

- دیوان عالی کشور
 - دادسرای آن
 - دادگاه انتظامی قضات
 - هیأت تجدید نظر انتظامی قضات
 - را منحل اعلام کرد.
- و مقرر شد که سازمان جدید در این تشکیلات تا ۵۷/۱۲/۲۵ دایر شود.



بعد از انتخابات جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۵۸:

مصوبه اعاده صلاحیت مراجع قضایی دادگستری را وضع نمود. ←
 شورای انقلاب ← صلاحیت‌هایی که در رژیم سابق از مراجع عمومی سلب و به محاکم خاص نظامی یا دیوان حرب داده شده بود، مجدداً به مراجع قضایی دادگستری عودت شد.
 رسیدگی به جرایم عمومی افراد نظامی نیز در صلاحیت مراجع قضایی دادگستری قرار داده شد.
 در سال ۸۵ با مصوبه شورای انقلاب، دادگاه‌های حمایت خانواده منحل و دادگاه مدنی خاص جهت رسیدگی به دعاوی خانوادگی تشکیل شد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مبحث قضا دگرگونی اساسی ایجاد شد.

اصل ۴	بند ۳ اصل ۲۱	اصل ۳۴	اصل ۳۶
کلیه مقررات مدنی و جزایی باید براساس موازین اسلامی باشد	ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و پناه خانواده پیش‌بینی شد	در دسترس بودن دادگاه‌ها برای همه افراد	ایجاد دادگاه صالح برای صدور حکم به مجازات و اجرای آن

در اصل ۱۵۶ وظایف اساسی و کلی قوه قضاییه مشخص و به استقلال قوه قضاییه تأکید شده است. در اصل ۱۵۷ اعمال قوه قضاییه در اختیار شورایی به نام شورای عالی قضایی قرار گرفت. (با ۵ عضو: آرییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، سه قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضاة کشور) به مدت ۵ سال انتخاب می‌شدند و انتخاب مجدد آن‌ها بلامانع بود. اولین رییس مرحوم آیت اله بهشتی بود.

ایجاد تشکیلات لازم دادگستری ←
 وظایف شورا ← تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
 ← استخدام قضاة عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها
 ← تغییر محل مأموریت آن‌ها

روش شورایی تا اصلاحات قانون اساسی در سال ۶۸ ادامه داشت؛ سپس سیستم مدیریت واحد و ریاستی ایجاد شد که ادامه دارد. در حال حاضر وفق اصل ۱۵۷ ق.ا. (یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر برای مدت پنج سال به عنوان رییس قوه از جانب مقام رهبری منصوب و انتصاب مجدد او محدودیتی ندارد).
 ← تمام وظایف شورای عالی قضایی به رییس قوه قضاییه محول شد.

مهمترین وظایف

رییس قوه قضاییه: (در امور قضایی و سازمانی قوه قضاییه)

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب اصل ۱۵۶ ق.ا.

← وفق اصل ۱۵۹ تشکیل دادگاه و تعیین صلاحیت آن فقط به حکم قانون است. لذا وظیفه رییس قوه در حد تشکیلات داخلی و ستادی مطرح است. مع الوصف در بند الف ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸ ظاهراً ایجاد تشکیلات قضایی و اداری لازم وفق اصل ۱۵۶ ق.ا. به رییس قوه داده شده است. (قانون چنین اختیاری را داده است).

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضاة و عزل و نصب آن‌ها



← وفق اصل ۱۶۴ ق.ا. باید طبق قانون صورت گیرد:

در استخدام فرد واجد شرایط به کار گمارده شود
تغییر سمت و محل خدمت نیز وفق مقررات

۴- انتصاب رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور

۵- معرفی افرادی برای پست وزارت دادگستری به رییس جمهور

۶- انتصاب ← رییس دیوان عدالت اداری

← رییس سازمان زندانها

← رییس سازمان بازرسی کل کشور

← رییس سازمان روزنامه رسمی

← رییس سازمان پزشکی قانونی

← رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح

← رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۷- پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومین به مقام رهبری

۸- انتقال قضات به تهران و به شهرهایی که با کمبود قاضی مواجه‌اند، بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات به رییس قوه محول شده است.

قوانین مصوب در این خصوص

{ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۷۱ }
{ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه مصوب ۷۸ }

← تا سال ۷۸ در این که رییس قوه قضاییه سمت قضایی دارد یا خیر، تردید وجود داشت. ماده ۲ قانون ۱۳۷۸ صریحاً مقرر داشت: «ریاست قوه قضاییه سمت قضایی است و هرگاه رییس قوه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین یا شرع تشخیص دهد، آن را به مرجع صالح ارجاع خواهد داد».

تبصره ۲ ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون ت.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱ نیز به این اختیار تصریح نموده است

شرایط احراز پست ریاست
قوه (اصل ۱۵۷)

← مجتهد
← عادل
← آگاه به امور قضایی
← مدیر
← مدبر



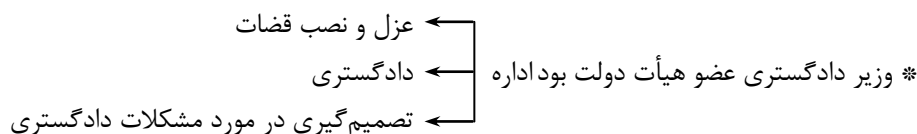
از دیگر وظایف رییس قوه قضاییه در سایر امور (غیر از امور قضایی و سازمانی):

- ۱- عضویت در شورای موقت رهبری (اصل ۱۱۱ ق.ا.)
 - ۲- رسیدگی به دارایی رهبر، رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت (برخلاف حق افزایش نیافته باشد) (اصل ۱۴۲ ق.ا.)
 - نکته: در این اصل، رییس مجلس، معاونین وی و معاونین قوه قضایی، رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل جزء مقامات مشمول اصل ذکر نشده‌اند.
 - ۳- عضویت در شورای عالی امنیت ملی (اصل ۱۷۰)
 - ۴- عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی (اصل ۱۷۷)
 - ۵- عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲)
 - ۶- پیشنهاد حقوق دانان به مجلس تا از بین آن‌ها ۶ نفر جهت عضویت در شورای نگهبان انتخاب شود (اصل ۹۱)
 - ۷- حضور در مراسم تحلیف رییس جمهور (اصل ۱۲۱)
 - ۸- نظارت بر حسن اجرای قوانین (اصل ۱۵۶)
 - ۹- معرفی دو نماینده جهت نظارت بر سازمان صدا و سیما (اصل ۱۷۵)
 - ۱۰- معرفی نماینده در کمیسیون‌های مختلف اداری و مراجع شبه قضایی
- ← هیأت‌های نظارت ثبت استان
← هیأت‌های حل اختلاف کار و کارگری
- به صورت تفویض اختیار به رؤسای دادگستری استان‌ها انجام می‌گیرد.



«وزارت دادگستری»

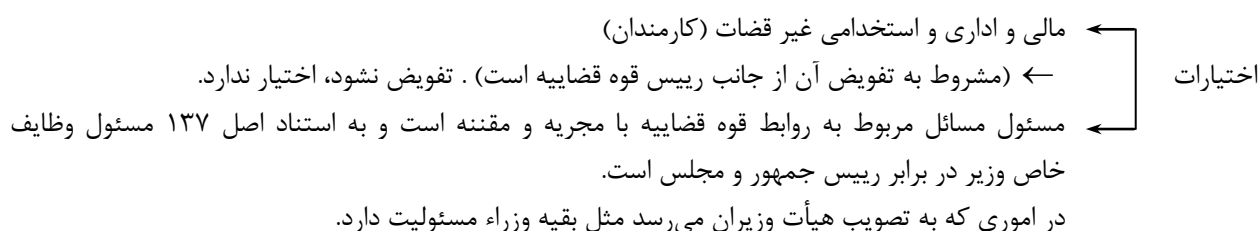
قبل از انقلاب عهده‌دار امور قضایی بود.



* انتقال قوه قضاییه زیر سؤال بود.

* وزارت دادگستری بعد از انقلاب، منحصرأ در اختیارات وزیر دادگستری است.

عمده اختیارات وزیر دادگستری (مفاد اصل ۱۶۰ ق.ا.):

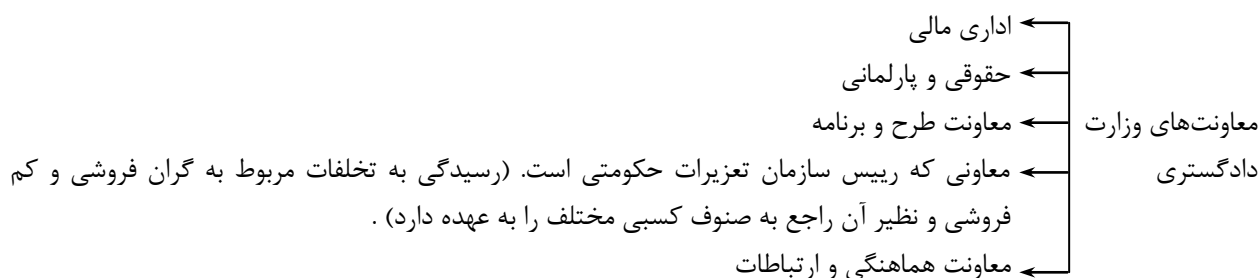
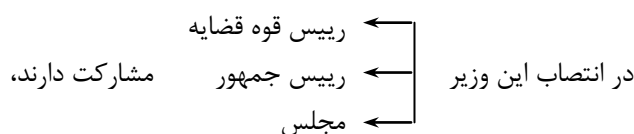


* عملاً در امور قضایی دخالتی ندارد.

* در کابینه و در قوه قضاییه حضور و دخالت بی تأثیر یا کم تأثیری دارد.

اصل ضرورت وجود یا عدم چنین وزارتی مورد تردید قرار گرفته است.

* وزیر از بین افرادی که رییس قوه قضاییه به رییس جمهور معرفی می‌کند به مجلس معرفی و رأی اعتماد اخذ می‌کند.



قبلاً، واحدهای قضایی اداره حقوقی، اداره امور ورشکستگی، اداره فنی، اداره عفو و بخشودگی (سجل کیفری) زیر نظر وزارت دادگستری بود.

این ادارات فعلاً زیر نظر معاونت قضایی قوه قضاییه انجام وظیفه می‌نمایند.



«مراجع قضایی پس از انقلاب»

به منظور رعایت مقررات شرعی قضا و رعایت معیارهای فقهی قضاوت، تغییراتی در برخی اصول رسیدگی صورت گرفت. مثلاً در برخی مقررات تجدید نظر از حکم قاضی خلاف مقررات شرعی دانسته شد. ← سیستم وحدت قاضی جایگزین تعدد قاضی شد.

مع الوصف در سال ۶۷ تجدید نظرخواهی از احکام دادگاه‌ها به‌طور کلی مجاز و در سال ۷۳ تجدید نظر با سیستم تعدد قاضی مورد قبول قرار گرفت.

شورای انقلاب بعد از انقلاب در ۵۸/۶/۲۰ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی، اولین تغییر را در تشکیلات محاکم عمومی کشور ایجاد کرد.

ماده ۲ این لایحه مقرر می‌داشت:

دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های حقوقی و جزایی و دادگاه‌های صلح تقسیم می‌شوند و رسیدگی در دادگاه‌های حقوقی و جزایی یک درجه‌ای خواهد بود.

* اصل بر غیرقابل تجدید نظر بودن آراء گذاشته شد. (برخلاف ماده ۴۷۵، قانون آ.د.م. ۱۳۱۸)

← کلیه صلاحیت‌هایی که دادگاه‌های بخش سابق داشته و صلاحیت‌های شوراهای دوری.	} دادگاه صلح صلاحیت مخصوص داشت
← رسیدگی به اعتراضات به آراء قابل اعتراض خانه‌های انصاف (که مدتی بعد منحل شد)	
← رسیدگی به دعاوی قانون روابط موجر و مستأجر با نصاب تا دویست هزار ریال.	
← رسیدگی به امور خلافی و جنحه کم اهمیت.	

احکام دادگاه صلح حسب مورد در محاکم عمومی جزایی یا مدنی فقط قابل پژوهش بود (قابل فرجام نبود).

اگر در محلی دادگاه عمومی حقوقی وجود داشت، دادگاه صلح به دادگاه صلح مستقل معروف بود که صلاحیت با نصاب ۵۰۰ هزار ریال را داشت.

سیستم وحدت قاضی حاکم بود.

در شهریور ۱۳۶۱ قانون اصلاح موادی از قانون آ.د.ک تصویب شد و دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ ایجاد شد و دادسرا در معیت آن‌ها انجام وظیفه می‌نمود (و محاکم عمومی جزایی منحل شد).

← رسیدگی به جرمی که کیفر آن اعدام، رجم، صلب و نفی بلد به عنوان حد بود.	} صلاحیت دادگاه کیفری ۱
← رسیدگی به جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو بود.	
← رسیدگی به جرمی که کیفر آن ۱۰ سال زندان و بالاتر بود.	
← رسیدگی به جرمی که کیفر آن معادل دویست هزار تومان و بالاتر یا معادل دو پنجم اموال مجرم و بالاتر بود.	

و بالاتر بود.

اعضاء دادگاه کیفری ۱:

- یک نفر رییس

- یک نفر مشاور

حق رأی با رییس بود، مشاور جنبه تشریفاتی داشت.

- در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ تشکیل می‌شد.

اعضاء دادگاه کیفری ۲:

- یک نفر رییس

حضور مشاور اجباری نبود- با تقاضای رییس اختصاص داده می‌شد.

اصل بر صلاحیت محاکم عمومی حقوقی گذاشته شد

حقوقی
جزایی